



مقاطع بعدی به حساب می آیند. در رشته کتابداری و اطلاع رسانی بیشتر مدرسان به طور متعارف در دوره های تحصیلی به کارهای پژوهشی نمی پردازند و معمولاً از پشتیبانی تحقیقی برخوردار نیستند. اساساً رشته کتابداری و اطلاع رسانی در دانشگاهها و مدارس عالی با واحدهای پژوهشی و مؤسسات تحقیقی پشتیبانی نشده اند و نمی شوند. فی المثل در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران در کنار گروه آموزش کتابداری یک واحد یا دفتر تحقیق به تبع گروه آموزشی کتابداری دیده نمی شود و این امر در سایر دانشگاهها و مدارس عالی نیز دیده می شود. پاره ای از استادان در مؤسسات غیرآموزشی به کارهای تحقیقی می پردازند که این امر از برجستگیهای روش تدریس مدرسان محقق است. درعین حال رشته کتابداری و اطلاع رسانی چون یقیناً از نوع رشته های فنی به حساب می آیند و در واقع از جنبه نظری ضعیفتری برخوردار است، باید مجهز به آزمایشگاه کتابداری باشد، که این امر هم نادیده گرفته می شود.

۳. صرف وجود کتابخانه در یک دانشکده به مثابه مادر گروه کتابداری و اطلاع رسانی، و حتی غنی بودن چنین کتابخانه ای، بر کتابخانه ای از نوع تحقیقی دلالت ندارد. کتابخانه های مورد استفاده دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع رسانی باید از نوع آزمایشگاهی باشد که دانشجویان این رشته بتوانند کلیه امور فنی کتابداری و اطلاع رسانی را در آن مورد آزمایش و عمل قرار دهند. و طبیعتاً وجود کامپیوتر و دستگاههای جانبی و مکمل آن برای تحقق و استقرار چنین آزمایشگاهی ضروری است.

۴. کلیه تجهیزات و لوازمی که امروزه در کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی کاربرد دارند — از «رج بند» (سورتر) گرفته تا کامپیوتر و چاپگر و... — ضروری است و طبیعتاً دانشجویان مقاطع مختلف در سطح تحصیلی به وسایل و تجهیزات و لوازم خاص خود احتیاج دارند که بایستی در آزمایشگاه کتابداری و اطلاع رسانی در کنار کتابخانه ای جامع، ایجاد شده باشد.

۵. برحسب پراکندگی دانشگاهها و مدارس عالی کتابداری و اطلاع رسانی، می توان به این نتیجه دست یافت که بیشتر مدرسان کارآمد و کارآموزی در تهران متمرکز شده اند و می توان گفت دانشگاهها و مدارس عالی در سطح تهران با وفور استادان مجرب روبروست. ولی در استانها این رشته به شدت از فقدان استادان کافی، و کمبود استادان مجرب رنج می برد و عمدتاً از استادان رشته های دیگر برای تدریس در این رشته استفاده می شود که رشته کتابداری را از هویت ویژه خود دور می سازد.

۶. در بررسی جایگاه تشکیلاتی کتابداری و اطلاع رسانی، از آنجا که آن را با کتابخانه در ارتباط می دانند و کتابخانه را



۱. مقاطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی ارشد به دلیل سابقه تاریخی آموزش کتابداری در ایران به تقریب جا افتاده و از قوام بیشتری برخوردار است. سایر مقاطع تحصیلی (کارشناسی و دکتری) از قوام سایر مقاطع برخوردار نیستند. این امر نوعی عدم توازن در کل کتابداری و اطلاع رسانی (در مقیاس تحصیلی و مقاطع وابسته به آن) ایجاد کرده است که به رغم کوشش انجام گرفته از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، و شورای عالی انقلاب فرهنگی یک برنامه ریزی جامع و هماهنگ صورت گرفته است و اعمال هم نمی شود. این پراکندگی از نوع توزیع جغرافیایی دانشگاهها و مدارس عالی کشور هم متأثر است که به طور متعارف دانشگاهها و مدارس عالی استانها از نایکدستی بیشتر برنامه های درسی رنج می برند که با کمبود استاد و نیروی متخصص این امر تشدید می شود.

۲. در ارتباط با مقاطع تحصیلی رشته کتابداری و اطلاع رسانی می توان این دیدگاه را مورد نظر قرار داد که در مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری از استادان و پژوهشگران والا و برجسته ای استفاده می شود و به طور متعارف این مدرسان تمایلی به تدریس در مقاطع کاردانی و کارشناسی ندارند، گرچه دوره های کاردانی و کارشناسی به منزله بنیاد و پایه



نهادی آموزشی به حساب آورده اند، این تصور ایجاد شده است که رشته کتابداری و اطلاع رسانی با کتابخانه های علوم تربیتی یا دانشکده های علوم تربیتی و حتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ارتباط دارند، و این امر جایگاه تشکیلاتی غلطی را برای این رشته ایجاد کرده است. در ساده ترین تحلیل باید گفت اگر چنین است، پس کتابخانه های صنعتی نیز نیازمند ایجاد رشته کتابداری در دانشکده های فنی و... است. برای این رشته تأسیس یک دانشکده مستقل یا یک واحد آموزشی مستقل الزامی و ضروری است.

۷. برای شیوه گزینش، معیارها و ضوابط مشخص وجود ندارد و قبولی در کنکور نیز همانند سایر رشته هاست. این امر نشان می دهد که شیوه ای خاص برای این رشته وجود ندارد تا بتوان نقاط قوت یا ضعف آن را تعیین کرد. در بعضی موارد برای گزینش «مصاحبه» منظور می دارند که عملاً مبنا همان قبولی در کنکور یا آزمون ورودی است که همان شیوه بدون ضابطه خاص است. کنکور برای ورود به دانشگاه ها و مدارس مهمترین نقطه ضعف «نظام آموزش عالی» ایران است.

۸. اساساً بین آموزش کتابداری و اطلاع رسانی در مقاطع مختلف تحصیلی و دوره های آموزشی کوتاه مدت و بلند مدت دانشگاهی و سازمانی موجود، هیچ گونه رابطه منسجم و ملموس وجود ندارد و حتی معلوم نیست که این آموزش (در هر سطحی) به چه منظور انجام می گیرد. برنامه ریزی دقیق آموزشی و درسی برای دوره های کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت وجود ندارد و در بعضی موارد برنامه ای مشخص موجود نیست. برخی از مؤسسات و سازمانها نیز دست به تدارک دوره های آموزشی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت می زنند که معلوم نیست برای پاسخگویی به کدام نیاز است؟

۹. اساساً رابطه ای ملموس و کارساز بین گروه های آموزشی دانشگاهی در رشته کتابداری و اطلاع رسانی به طور اخص، و سایر رشته ها به طور اعم، وجود ندارد؛ و یک سلسله ارتباطات اداری و بوروکراتیک از طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی ایجاد می شود که از ناحیه امور اداری عملاً به بن بست می رسد. در این زمینه حتی همین رابطه نارسا بین وزارت فرهنگ و آموزش عالی، و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که مدیریت کتابخانه های عمومی را به عهده دارد و به برگزاری دوره های آموزشی نیز اقدام می کند، اصلاً وجود ندارد. براساس این مباحث به این نتیجه می توان رسید که نه دانشگاه ها و مدارس عالی، نه وزارت فرهنگ و آموزش عالی، و نه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و نه کتابخانه ملی ایران، هیچ یک براساس وظایف مشخص (در زمینه کتابداری و اطلاع رسانی) به یکدیگر مرتبط نمی شوند.

۱۰. رشته های همجوار با رشته های تبعی و رشته های پشتیبان برای رشته کتابداری و اطلاع رسانی، که در جایگاه خود رشته های مستقل و قائم بالذات به حساب می آیند، جدای از هم عمل می کنند. فی المثل بین رشته «کتابداری و اطلاع رسانی»، و رشته «کامپیوتر و ریاضی» که اساساً باید رابطه ای کاملاً روشن و صریح و ملموس باشد، پیوندی وجود ندارد. از یک سو رشته کامپیوتر با رشته ریاضی، و از سوی دیگر بین رشته کامپیوتر و رشته آمار ارتباط برقرار شده است (که آن هم در قالب روابط دانشگاهی یا دانشکده ای نیست)، و معلوم نیست مهمترین زمینه کاربری کامپیوتر و انفورماتیک و اطلاع رسانی، که «کتابداری و اطلاع رسانی» باشد، چه رابطه ای با چنین رشته هایی دارد؟

۱۱. الزاماً آموزش نباید برای بازار کار باشد. از این جهت پاره ای از آموزش های کتابداری و اطلاع رسانی گرچه برای بازار کار نیست ولی ضروری است. در حال حاضر امکان ارزیابی رابطه بین آموخته های فارغ التحصیلان مقاطع مختلف رشته کتابداری و اطلاع رسانی با بازار کار وجود ندارد، چه آنچنان عده فارغ التحصیلان این رشته ناچیز است که همگی جذب بازار کار می شوند (و حتی قبل از فارغ التحصیلی به استخدام در می آیند).

۱۲. به گمان بنده مطالب کلی زیر باید مورد توجه قرار گیرد:
الف. تدوین برنامه جامع آموزشی برای رشته کتابداری و اطلاع رسانی به منظور روشن کردن روابط این رشته با رشته های تبعی و همجوار و کل رشته های دانشگاهی.

ب. تدوین و تنظیم برنامه درسی که در دوره های تحصیلی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت قابل تجدید نظر باشد، تا بتوان با کل برنامه های درسی این رشته در مقاطع مختلف ارتباط برقرار کرد و تمامی آموزش رشته کتابداری را در برنامه ای هماهنگ و جامع ارائه داد.

ج. ایجاد دانشکده ها، مدارس عالی، و واحدهای آموزشی مستقلی برای رشته کتابداری و اطلاع رسانی تا بتوان برای همه سطوح و بخشها و زیربخشهای اقتصادی، اجتماعی و... به تربیت کتابدار، و اطلاع رسانی پرداخت.

د. تغییر در شیوه گزینش دانشجو برای این رشته، و اعمال یک سلسله ضوابط گزینش مبتنی بر تواناییهای علمی افراد قابل گزینش در چهارچوب طرح جامع آموزشی کتابداری و اطلاع رسانی برای این رشته.

ه. تربیت کتابدار و کارشناسان متخصص در رشته های مختلف (فی المثل تربیت کتابدار برای رشته های حقوق، اقتصاد، بازرگانی، فنی - مهندسی و...).

